

## دکتر گری میدورز، شناخت اراده خدا، جلسه ۱۱، نقش وجدان

گری میدورز و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

به سخنرانی‌های ما در مورد الهیات کتاب مقدس برای شناخت اراده خدا خوش آمدید. اگر مایل باشید فهرست مطالب را مرور کنید تا به متن اصلی برگردیم. ما با مقدمه و جهت‌گیری شروع کردیم؛ سپس در مورد چگونگی تشخیص اراده خدا بر اساس کتاب مقدس صحبت کردیم.

ما کمی بررسی اجمالی کردیم که چگونه کلیسای غرب، به ویژه با مثلث چهارگانه وسلی، در مورد مسائل، به ویژه برای کلیسای بزرگتر، قضاوت می‌کرد. ما در مورد عهد عتیق و عهد جدید صحبت کردیم و تعدادی از موارد را در رابطه با اراده خدا به عنوان حاکم و اراده خدا به عنوان اخلاقی دیدیم و اینکه چیزی به نام جستجوی اراده شخصی وجود ندارد. اراده شخصی رابطه ما با کتاب مقدس، رابطه ما با آموزه‌های خدا است و این برای ما بسیار شخصی است، اما چیزی نیست که ما باید آن را پیدا کنیم.

«این کاری است که ما باید انجام دهیم، و حتی افعال موجود در کتاب مقدس در این زمینه‌ها «انجام دادن هستند، نه «یافتن». سپس در مورد تشخیص صحبت کردیم که نیاز به یک مدل جهان‌بینی و ارزشی دارد زیرا این روش عادی تصمیم‌گیری است. این است که مسئله خود را در نظر بگیرید و آن را به آنچه در مورد کتاب مقدس می‌دانید مرتبط کنید تا از خود بپرسید، آیا متن مستقیمی در کتاب مقدس وجود دارد که به سوال من پاسخ دهد، یا باید به دنبال پیامدهای تدریس باشم، یا به سطح بالاتری از آنچه ما ساختارهای خلاقانه می‌نامیم بروم، جایی که پاسخ‌های خود را پیدا می‌کنیم، و در آن سطح است که تنوع زیادی پیدا می‌کنیم.

ما امروزه در کلیسا دیدگاه‌های مختلفی در مورد متون و نکات الهیاتی داریم و این چیزی است که هر فرد باید در محیط خود با آن کنار بیاید. سپس بخش سوم که اکنون به آن می‌رسیم چیزی است که من آن را تشخیص می‌نامم، که مستلزم درک و پرداختن به مسائل ذهنی است. این موارد برای بسیاری دشوارترین هستند زیرا بسیاری با این فرض زندگی می‌کنند که صداهای کوچک درونشان، خدا است که با آنها صحبت می‌کند، به آنها می‌گوید چه کار کنند، و به دنبال نوعی احساس خوب هستند، مثلاً به دنبال آرامش هستند، و ما در مورد تعدادی از این مسائل از طریق چالش‌های ذهنی صحبت خواهیم کرد. امروز با نقش وجدان شروع خواهیم کرد.

این سخنرانی شماره ۱۱ است، که در یادداشت‌های شما، سخنرانی شماره ۱۱ است. این بار چندین مورد در یادداشت‌هایتان دارید. یادداشت‌های سخنرانی را دارید که به نوعی وجدان و تصمیم‌گیری را شرح می‌دهد.

من مقاله‌ای را که برای یک فرهنگ لغت نوشته‌ام، ضمیمه کرده‌ام که روش روایی خوبی برای خواندن در مورد چیزی است که قرار است در مورد آن صحبت کنیم، و همچنین یک پایگاه داده به شما داده‌ام. من موارد تکرار را به شما داده‌ام تا بتوانید ببینید در مورد چه چیزی صحبت می‌کنم. این کار کمی بیشتر برای شما طول می‌کشد، اما من یک پایگاه داده به شما می‌دهم تا بتوانید آن تکالیف را خودتان انجام دهید.

بسیار خوب، پس بیاید درباره وجدان و عهد جدید صحبت کنیم. حالا، کلیشه‌های زیادی درباره وجدان وجود دارد و ما کمی در مورد آن صحبت خواهیم کرد. ما قصد داریم درباره دامنه وجدان، چیستی آن، تعریف آن و تمرکز کتاب مقدس بر وجدان صحبت کنیم.

- من مقاله‌ای را که می‌توانید بخوانید و به شما کمک خواهد کرد، و یادداشت‌هایی را که پیش روی شماست برخی کلیشه‌ها - به شما معرفی کردم. بسیاری از اوقات، مردم فکر می‌کنند که وجدان نوعی اتاق مخاطب داخلی برای ارتباط مستقیم موجودات دیگر، شاید خدا، است.

بعضی‌ها حتی شیطان را سرزنش می‌کنند. می‌گویند شیطان به من گفت این کار را انجام دهم. یک ضرب‌المثل بامزه می‌گوید: من فقط کاری را می‌کنم که صداهای کوچک به من می‌گویند.

خب، این رویکرد خوبی به زندگی نیست، چون قاتلان زنجیره‌ای کاری را انجام می‌دهند که صداهای کوچک به آنها می‌گویند. بنابراین، اگر قرار است از خدا پیروی کنیم، نمی‌توانیم اجازه دهیم که ظرفیت خوداندیشی ما معادل خدا باشد. تنها چیزی که داریم کتاب مقدس است.

وقتی این صداها را می‌شنوید، این خودتان هستید که با خودتان صحبت می‌کنید. این یک جنبه درونی است و بخشی از کاری است که وجدان انجام می‌دهد، و یک ظرفیت خدادادی است که به تصویر خدا برای خوداندیشی آفریده شده است، و ما در مورد آن به تفصیل صحبت خواهیم کرد. علاوه بر این، برخی می‌گویند وجدان یک ظرفیت آفریده شده برای خوداندیشی است.

همانطور که اشاره کردم، این خود ما هستیم که با خودمان صحبت می‌کنیم. این یک سخنرانی درونی در مورد ارزش‌هاست، و قبلاً به شما اشاره کردم که شما جهان‌بینی دارید، و داده‌ها از طریق جهان‌بینی اجرا می‌شوند، و معنا از طرف دیگر بیرون می‌آید. در درون ذهن خود، شما دائماً در حال خرد کردن چیزها هستید.

گاهی اوقات افکاری به ذهنتان خطور می‌کند و می‌گویید، خب، شاید این خداست که با من صحبت می‌کند، یا شاید در واقع این ظرفیت خدادادی برای خوداندیشی است که خدا به شما داده است. و آن لحظات دژاوو وجود دارد که ما چیزی را مطالعه کرده‌ایم و ناگهان، آن را می‌فهمیم و به وضوح برای ما آشکار می‌شود. ما باید بتوانیم کمی آن را کشف کنیم، اما در نهایت، هیچ کس نمی‌تواند چیزهای ذهنی که ادعا می‌کنند را ثابت کند.

تنها چیزی که ما داریم و محکم است، ارتباط ادعاهای ما با درک آموزه‌های خداست. بنابراین، وجدان چیز جذابی است، اینطور نیست؟ و ما فقط در مورد بخش‌هایی از کتاب مقدس صحبت می‌کنیم. روانشناسان از وجدان استفاده می‌کنند و در مورد آن صحبت می‌کنند؛ آنها دیدگاه خودشان را در مورد این نوع چیزها دارند.

بنابراین، این به طرق مختلف ظاهر می‌شود. می‌خواهم در مورد این موضوع تأمل کنید، درست یا غلط بگذارید وجدان راهنمای شما باشد.

خب، من این را زیاد می‌شنوم. وجدانم به من گفت که این اشکالی ندارد، کشیش، پس باید به من تعظیم کنی، به عبارت دیگر، افرادی وارد دفتر شما می‌شوند و شما را با آنچه ادعا می‌کنند این صداهای درونی هستند، دستکاری می‌کنند.

و شما آنجا می‌نشینید و می‌دانید که این مناسب نیست. و در عین حال، چگونه به آنها کمک می‌کنید تا از این نوع طرز فکر خارج شوند؟ بگذارید وجدان راهنمای شما باشد، اشتباه است. وجدان راهنمای شما نیست.

جهان‌بینی و ارزش‌های شما راهنمای شما هستند. وجدان شاهدهی بر پردازش‌های درونی شماست که باید به شما یادآوری کند که این جهان‌بینی و ارزش‌های شماست. و در عین حال، از وضعیت پائولین می‌دانیم که وجدان می‌تواند به شما بگوید چه چیزی اشکالی دارد، در حالی که ندارد.

بنابراین، وجدان نمی‌تواند راهنمای شما باشد. جهان‌بینی و ارزش‌ها راهنمای شما هستند. اما وجدان یک عقده درونی خدادادی است که جهان‌بینی و ارزش‌ها را به شما یادآوری می‌کند.

شما باید آنها را ارزیابی کنید. باید مطمئن شوید که جهان‌بینی و ارزش‌هایتان درست هستند. سپس، وجدانتان به مرور زمان اصلاح می‌شود.

پولس فکر می‌کرد وقتی مسیحیان را می‌گشت و آزار می‌داد، به خدا خدمت می‌کند. در عین حال، می‌دانیم که پولس در مسیر اشتباه می‌رفت. او چنان وجدانش او را متقاعد کرده بود که ارزش‌هایش درست است.

عیسی مجبور شد در مسیر دمشق حرف او را قطع کند و توجه او را جلب کند تا بتواند طرز فکر پولس را تغییر دهد. و وقتی آن تغییر ذهن اتفاق افتاد، پولس، همانطور که به خوبی می‌دانیم، تغییر بزرگی کرد. آیا لوتر «همان ضرب‌المثل معروف بود که می‌گفت»: نه درست است و نه امن که بر خلاف وجدان خود عمل کنیم.

من اینجا ایستاده‌ام، نمی‌توانم کار دیگری بکنم. خب، این حرف خیلی خوبی بود. حرف درستی بود چون وجدانش او را محکوم کرد.

و جهان‌بینی و ارزش‌های مارتین لوتر اتفاقاً درست بودند. و به همین دلیل است که او می‌تواند چنین اظهارنظری کند. اما واقعیت این است که جهان‌بینی و ارزش‌های ما اساس تصمیمات ما هستند، نه وجدان ما.

وجدان صرفاً یک ظرفیت خوداندیشی است. وجدان فقط می‌تواند شاهد باشد و بر آن کلمه شاهد تأکید کند. شاهد اصطلاح کلیدی است.

و وقتی به پایگاه داده نگاه کنید، این را خواهید دید. شاهد، اصطلاح کلیدی برای معنای وجدان است. و جالب است که وجدان و روح، هر دو در کتاب مقدس ذیل مفهوم شاهد تصویر شده‌اند.

روح به کلام شهادت می‌دهد، به وجود درونی ما شهادت می‌دهد که ما می‌دانیم خدا پدر ماست و ما فرزندان او هستیم. متون متعددی در این مورد صحبت می‌کنند. بنابراین، وجدان فقط می‌تواند شاهد آنچه وجود دارد باشد.

وجدان قانون‌گذار نیست، اما شهادی بر قانونی است که شما آن را تشخیص می‌دهید و به کار می‌برید. بسیار خب. علاوه بر این، وجدان صدای درونی خوداندیشی است.

بنابراین، ما از این کلمه استفاده می‌کنیم، و کتاب مقدس تقریباً منحصرراً از این کلمه در مورد وجدان به عنوان شاهدی درونی ما استفاده می‌کند. این جایگاهی برای خدا نیست. این جایگاهی برای شیطان نیست.

این خود ما هستیم که از دیدگاه جهان‌بینی و سیستم ارزشی که می‌شناسیم و به کار می‌بریم، با خودمان صحبت می‌کنیم. وجدان با ارزش‌ها همراه است. اگر طبق جهان‌بینی و ارزش‌های خود زندگی کنید، احساس خوبی خواهید داشت.

شما آرامش خواهید داشت. و این روند درست است. مشکل این است که ما باید هوشیار باشیم تا جهان‌بینی و ارزش‌هایمان درست باشد.

چون اگر درست نباشند، ما محکوم نخواهیم شد. چرا؟ چون وجدان فقط می‌تواند با آن جهان‌بینی و نظام ارزشی ارتباط برقرار کند. می‌دانید، این یک چیز غم‌انگیز در طول زندگی است، و فکر می‌کنم احتمالاً همه این را در یک برهه زمانی تجربه کرده‌اند.

مسیحیانی هستند که می‌توانند بسیار شرور باشند. نه چندان نقض اخلاقی، اما می‌توانند در روابط خود با دیگران بسیار شرور باشند. می‌توانند فریبکار باشند.

آنها می‌توانند منتقد باشند. می‌توانند غیبت کنند و از این بابت احساس خوبی داشته باشند. چرا؟ چون جهان‌بینی و ارزش‌هایشان به هم ریخته است.

نکته‌ی ذهن دگرگون‌شده همین است. شما باید در جهان‌بینی و ارزش‌هایتان دگرگون شوید، و آنگاه وجدانتان چیز خوبی برای کار کردن خواهد داشت. و گاهی اوقات، این کار مدتی طول می‌کشد.

من آن داستان بیلپارد را وقتی جوان بودم و بیلپارد بازی می‌کردم و عموهایم را تماشا می‌کردم، برای تعریف کردم. و فهمیدم که بیلپارد جای بدی است. به اصطلاح، در یک بار گناه‌آلود بودند.

و وقتی دیدم، وقتی صدای بیلپارد را در آن مرکز خدمتکاران مسیحی شنیدم و میزهای بیلپارد را دیدم، با خودم فکر کردم، این نمی‌تواند مسیحی باشد. اما مشکل بیلپارد نبود. مشکل زمینه‌ای بود که من آن را در آن درک می‌کردم.

وجدانم از بودن در آنجا با آن میزهای بیلپارد آزارم می‌داد. چون چرا؟ چون هنوز جهان‌بینی و ارزش‌هایم را داشتم، آن استخر به خاطر زمینه‌ای که در موردش یاد گرفته بودم، اشتباه بود. اما در نهایت، متوجه شدم که مشکل میزهای بیلپارد نبود.

این زمینه‌ی آنها بود. جایی بود که آنها بودند. این نحوه‌ی بازی مردم بود، کاری که هنگام بازی انجام می‌دادند.

این رابطه‌ی جهان‌بینی و ارزش‌ها و وجدان شماست. وجدان شما به این چیزها گواهی می‌دهد. بنابراین، اگر جهان‌بینی و ارزش‌های شما ایراد داشته باشد، احساس خوبی خواهید داشت.

چرا؟ چون وجدان شما شاهد چیزی است که شما تشخیص داده‌اید و به شیوه‌ای مناسب به کار گرفته‌اید. وقتی کسی از راه می‌رسد و به شما می‌گوید که ذهنتان باید بهتر تغییر کند، باید عمیق‌تر در مورد این موضوع فکر کنید و نظرتان را تغییر دهید. و ناگهان، حالا وجدان چیز دیگری برای شهادت دادن دارد.

و این یک گذار است. گاهی اوقات، کمی طول می‌کشد تا وجدان به خود بیاید، زیرا به آن جهان‌بینی و ارزش‌های پیچیده عادت کرده است. بسیار خوب.

قلمرو وجدان. این یک خودآگاهی انتقادی درونی است. وجدان یعنی همین.

آن افکاری که در ذهنتان دارید، در واقع صحبت کردن با خودتان است. این فرآیند نگاه وجدان به جهان‌بینی و ارزش‌هاست که باعث می‌شود شما، هر طور که دوست دارید، از چیزهایی که به آنها اعتقاد دارید، خودآگاه باشید. این یک شاهد درونی است و شاهد بودن کلید ماجراست.

این شاهدهی بر جهان بینی و ارزش‌ها است. علاوه بر این، این یک چیز کوچکِ چوب مانند است که بارها با آن مواجه شده‌ایم. داده‌ها وارد می‌شوند، از شبکه جهان بینی و ارزش‌های شما عبور می‌کنند و وجدان آن را بررسی می‌کند.

این داور جهان بینی و ارزش‌ها است. آنها را ارائه نمی‌دهد. بلکه شاهد آنهاست و سپس معنا از آن بیرون می‌آید.

بنابراین، اگر شما بیایید و به من بگویید که قرار است کاری انجام دهید، و فرض کنیم که من می‌توانم آن را از طریق متون مقدس نشان دهم، کار درستی نیست، اما شما قرار است آن را انجام دهید. چرا؟ چون وجدانتان پاک است. خب، مشکل وجدان نیست.

مشکل این است که جهان بینی و ارزش‌ها دچار انحراف هستند و باید اصلاح شوند. بسیار خب. حالا، تعریف این است.

من اولش دارم بهت می‌گم نه اینکه کم کم بهش اضافه کنم. باشه. اما این تعریف چیزیه که من بعد از ساعت‌ها تأمل روی متن، خوندن و غیره نوشتم.

و من به این نتیجه رسیده‌ام. می‌دانم که کمی طولانی است؛ این یک تعریف آکادمیک است، چیزی که باید آن را تجزیه و تحلیل کنید و در مورد آن فکر کنید، اما ما به اندازه کافی در مورد این موضوع صحبت کرده‌ایم که بتوانید شروع به انجام آن کنید. توجه کنید، وجدان چیست؟ وجدان یک آگاهی درونی حیاتی است.

شاید لازم باشد از آن اسلاید خاص یک اسلاید بزرگ درست کنید تا در دیدن آن مشکلی نداشته باشید، چون روی اسلاید کمی کوچک است. اما وجدان یک آگاهی درونی انتقادی است، یک شاهد اصطلاحی هست.

و وقتی به پایگاه داده‌ای که برای بررسی در اختیاران قرار داده‌ام نگاه کنید، مفهوم شاهد را خواهید دید. در واقع، صفت‌های زیادی به وجدان نسبت داده شده است: وجدان خوب، وجدان آزاده، وجدانی که به دلیل بد بودن جهان بینی و ارزش‌هایش خراب شده است. و آن شخص آن دیدگاه را پذیرفته است.

و بنابراین، مهم نیست به آنها چه بگویید، وجدان شاهد جهان بینی و ارزش‌های بدی است که دارند. و در نهایت آنها به همان جا می‌رسند. وجدان، آگاهی درونی انتقادی است، شاهدهی بر هنجارها و ارزش‌هایی که ما می‌شناسیم و به کار می‌بریم.

وجدان هنجار ایجاد نمی‌کند. وجدان شاهد آگاه ایجاد نمی‌کند. وجدان هنجارها و ارزش‌ها را ایجاد نمی‌کند. بلکه صرفاً به نرم‌افزار موجود ما پاسخ می‌دهد تا از یک قیاس مدرن با رایانه‌ها استفاده کند.

نمی‌تواند بالاتر از سطحی که نرم‌افزار برای آن برنامه‌ریزی شده است، برود. وجدان باید در رابطه با یک جهان بینی و زندگی به شدت توسعه‌یافته، آموزش دیده و برنامه‌ریزی شود. وجدان شما به این معنا آموزش دیده است که جهان بینی و ارزش‌های شما آموزش دیده‌اند.

و در نتیجه، شاهدانی در کنار آن هستند. می‌بینید، در واقع این وجدان است که شما را با آنچه باور دارید هماهنگ نگه می‌دارد. و اگر درست باور نداشته باشید، وجدانتان شما را آزار نخواهد داد.

به همین دلیل است که یک آنتیست آرامش و وجدان آزاد دارد. چرا؟ چون جهان بینی و ارزش‌های آنها به آنتیسم متعهد است. خدایی وجود ندارد.

من هیچ مسئولیتی در قبال خدا ندارم. و بنابراین، وجدان هم با آن همراه است. چرا؟ چون وجدان قاضی نیست.

وجدان یک شاهد است. داوران، جهان‌بینی‌ها و ارزش‌ها هستند. وجدان باید در رابطه با یک جهان‌بینی و زندگی به شدت توسعه‌یافته، آموزش داده و برنامه‌ریزی شود.

شما باید با تجدید ذهن‌تان متحول شوید. این پیشرفت برای مسیحیان ریشه در وحی ویژه، یعنی کتاب مقدس دارد. خب، این تعریف، لقمه بزرگی است.

اما اگر آن را موشکافی کنید و از زوایای مختلف به چیزهایی که در موردشان صحبت کردیم فکر کنید، کم‌کم متوجه منظور ما خواهید شد. اما باید درک کنید که وجدان یک شاهد است، نه یک قاضی. ممکن است فکر کنید که وجدان یک قاضی است، زیرا وقتی جهان‌بینی و ارزش‌های خود را نقض می‌کنید، احساس بدی دارید و وجدانتان شما را آزار می‌دهد.

اما به یاد داشته باشید، این قاضی نیست. این شاهی بر باورهای شماست. بیایید ادامه دهیم. انجام یک مطالعه کتاب مقدسی.

حالا، من این پایگاه داده را در اختیار شما قرار داده‌ام تا کار را برایتان آسان کنم. برخی از شما در کشورهای دیگر هستید و ممکن است منابع زیادی نداشته باشید. و من ستون‌هایی را در اختیار شما قرار داده‌ام.

می‌توانید ستون یونانی را نادیده بگیرید، مگر اینکه آن را بخوانید. اما من باید آن را آنجا داشته باشم، زیرا وقتی یک مطالعه‌ی کامل کلمات انجام می‌دهید، باید از آن پایه انجام شود. بنابراین، ترجمه را به شما دادم و کمی در مورد آن صحبت خواهیم کرد.

Ecclesiastes مربوط می‌شوند. آن کلمه Ecclesiasticus می‌توانید ببینید که دو ارجاع اول در پایگاه داده به نیست. خب، در این معنای خاص، به این دلیل است که اینطور است.

اما بعد به حکمت رسیدید، حکمت بن سیراخ در ۱۰:۱۷. اینها ارجاعات خارج از کتاب مقدس و حداقل یک ارجاع حکمت‌آمیز هستند. و بعد کتاب اعمال رسولان را شروع می‌کنید.

کلمه وجدان در متن عهد عتیق نیامده است. جالب اینجاست که در عهد جدید آمده است. تقریباً منحصرأ یک اصطلاح پولسی است.

این در دنیای باستان بسیار برجسته بود. وجدان از فعل دانستن می‌آید. بنابراین، شناخت خود و تأمل در مورد خود، همان کاری است که وجدان انجام می‌دهد.

حالا، من نمی‌خواهم کلمه مطالعه را با شما توضیح دهم. این کار را به شما واگذار می‌کنم. اما تمام چیزی که در موردش صحبت می‌کنم از همین جا می‌آید.

من با دقت بسیار و در مدت زمان طولانی به این مسائل پرداختم و در مورد آنها فکر کردم. بنابراین، در عین حال، می‌خواهم نکته‌ای را مطرح کنم. کلمه‌ای مانند وجدان، الهیات نیست.

برای مثال، اگر در عهد عتیق وجدان ندارید، باید از خودتان این سوال را بپرسید که خب، در عهد عتیق، من چه دارم؟ شما کلمه متفاوتی دارید. کلمه قلب را دارید. و به یاد داشته باشید، قلب عمدتاً مسئله ذهن است، نه مسئله این.

این عضو نیست. در فرهنگ ما، قلب یک اصطلاح احساسی است. در فرهنگ یونانی، همانطور که شاه جیمز گفته است، اسفاگونم نذر شفقت است.

اما ما آن را در فرهنگ‌هایمان تغییر دادیم. شاید فرهنگ شما این کار را نکرده باشد، و این خوب است. اما در کتاب مقدس، قلب همان ذهن است.

یک کلمه به تنهایی نمی‌تواند یک الهیات بسازد. بنابراین، وجدان در درجه اول در ادبیات پولس در عهد جدید است، و با این حال از آن استفاده می‌شود؛ این ایده هنوز در عهد عتیق وجود دارد، همانطور که در ادامه خواهیم دید. اغلب یک راه برای شروع فکر کردن در مورد یک اصطلاح وجود دارد، و آن من هستیم.

به عبارت دیگر، می‌توانید با یک کلمه شروع کنید، اما باید از خودتان یک سوال بپرسید: آیا آن کلمه یک شروع است؟ مفهوم آن از خود کلمه بزرگتر است. در این مورد باید در تطابق‌ها دقت کنید.

همانطور که به شما اشاره کردم، در یادداشت‌هایتان، پایگاه داده را هم آورده‌ام تا خودتان در مورد کاربرد آن فکر کنید. کاربرد، معنا را تعیین می‌کند. می‌شنوید؟ کاربرد، معنا را تعیین می‌کند.

این خود کلمه نیست، بلکه کلمه در متن خود است. کاربرد، معنا را تعیین می‌کند و شما باید به متن نگاه کنید تا کجا استفاده شده است، و صفت‌هایی را که با اسم witness ببینید چه اتفاقی می‌افتد. خواهید دید که کلمه و غیره استفاده شده‌اند، خواهید دید *consciousness*، *a good consciousness*، *a bad consciousness*، دید تا ببینید که چگونه توصیفی است.

قبل از خواندن مقاله من، این کار را انجام دهید. به متن‌ها نگاه کنید. این باید یکی از اولین کارهایی باشد که انجام می‌دهید.

شما حتی می‌توانید سخنرانی را متوقف کنید، و اگر دوست دارید، من این کار را نمی‌کنم. این چیزی است که در مورد کامپیوتر خوب است. بنابراین، قبل از اینکه مقاله من را بخوانید و سخنرانی من را بشنوید، نتایج جستجو و یادداشت‌برداری خودتان و غیره را مقایسه کنید، و سپس وقتی وارد سخنرانی می‌شویم، خواهید دید که چگونه آنچه من در مورد آن صحبت می‌کنم، منعکس کننده چیزی است که آن پایگاه داده برای شما فراهم کرده است.

خب، این یه ابزار کوچیک و مهمه که باید داشته باشی. باشه؟ حالا، بریم سراغ ویژگی‌های وجدان.

اینجا، شما یادداشت‌هایی را که به شما می‌دهم، می‌خوانید. بالای یادداشت‌ها نوشته شده است: دوره آموزش الکترونیکی کتاب مقدس، وجدان و تصمیم‌گیری، و یک مقدمه دارد. ما قبلاً در مورد مرور رومیان ۱۲، ۱ و ۲ ذهن دگرگون‌شده، صحبت کرده‌ایم.

اگر دوست دارید می‌توانید برگردید و آن سخنرانی‌ها را مرور کنید. وجدان اصطلاحی است که ما مرتباً می‌شنویم و استفاده می‌کنیم، اما برای اکثر مردم، مثل یک آبنبات چوبی بادام جوی است. اینجا، در یک سخنرانی بین‌المللی، ممکن است این برای شما منطقی نباشد.

در آمریکا، ما یک نوع آب‌نبات داریم که نارگیل، شکلات و بادام دارد. ما به آنها جوی بادام می‌گوییم. و وقتی این آب‌نبات را تبلیغ می‌کردند، یک تبلیغ کوچک داشتند که می‌گفت به طرز غیرقابل توصیفی خوشمزه است.

خب، خیلی از مردم وجدان را چیزی وصف‌ناپذیر و لذت‌بخش می‌دانند. آنها هیچ ایده‌ای از معنی آن ندارند، اما غیرقابل توصیف است. خب، وجدان کمی فراتر از این حرف‌هاست.

قابل توصیف‌تر است. خب، مردم به من خواهند گفت، خب، وجدانم این را توجیه می‌کند، یا وجدانم به من حس آرامش داده است، و از این قبیل. و این می‌تواند درست باشد زیرا اگر جهان بینی و ارزش‌های شما اشتباه باشد، وجدانتان می‌تواند به شما حس آرامش بدهد.

وقتی بتوانم روبروی میز بنشینم و از کتاب مقدس به شما نشان دهم که جهان بینی و ارزش‌هایتان کجا نیاز به اصلاح دارند، و اگر پذیرای این تغییر نیستید، می‌توانید راه خودتان را بروید، و وجدان و آرامش از آن شما خواهد بود، زیرا ذهنتان را تغییر نداده‌اید. ذهنتان را در جهتی که بتواند به شما در تصمیم‌گیری در زندگی کمک کند، متحول نکرده‌اید. وجدان شاهدهی بر جهان بینی و نظام ارزشی است.

ما تشخیص می‌دهیم و به کار می‌بریم. وجدان، ناظر بر تفکر ماست. بیایید کمی به این موارد نگاه کنیم.

اگر به پایین صفحه اول یادداشت‌ها نگاه کنید، ویژگی‌های وجدان را در رابطه با تصمیم‌گیری مسیحی خواهید دید. اولین ویژگی این است که وجدان یک ظرفیت خدادادی برای انتقاد از خود است. این نکته بسیار مهمی است که شما متوجه شوید که این قابلیت توسط خدا داده شده است.

او ما را با این ظرفیت آفریده است. این جنبه‌ای از تصویر خدا بودن است. این به ما ظرفیت خوداندیشی می‌دهد.

نمی‌تواند به جنبه‌ای مستقل از ما شخصیت ببخشد. این صدای خدا نیست. این صدای شیطان نیست.

این صدای درونی ماست که در رابطه با جهان بینی و ارزش‌هایمان و در رابطه با چیزهایی که در زندگی برایمان پیش می‌آید، با خودمان استدلال می‌کند. و این ذهن دگرگون‌شده و پیوند دادن تفکرمان با خود کتاب مقدس و آموزه‌های خداست که به ما کمک می‌کند تا امور را سر و سامان دهیم. بنابراین، اگر می‌گویید وجدانتان پاک است، این واقعاً چیز زیادی را نشان نمی‌دهد.

و ما قرار است این را تا چند لحظه دیگر ببینیم. خوداندیشی، گفتگوی درونی ما با خودمان است، و وجدان با آن بحث درونی ارتباط برقرار می‌کند تا بررسی کند که آیا ما با ارزش‌هایمان همسو هستیم یا خیر. حالا، این متنی است که می‌خواهم به آن نگاه کنید.

و من کتاب مقدس را اینجا می‌آورم. می‌خواهم به اول قرن‌تین ۴:۴ نگاهی بیندازید. این متن برای شما بسیار مهم است. اول قرن‌تین ۴:۴. حالا باید چیزی را به شما گوشزد کنم.

من در پایگاه داده‌ای که برای کلمه به شما دادم، به آن اشاره کردم. یک فعل وجود دارد و یک اسم. ما در درجه اول در مورد اسم صحبت می‌کنیم زیرا این چیزی است که برای این چیز وجدان استفاده می‌شود.

و با این حال، در اول قرن‌تین ۴:۴، فعل عامل را داریم و من به شما نشان خواهم داد که چگونه کار می‌کند. حال، پولس، در چهار فصل اول، به نوعی از رسالت خود و اینکه پیام انجیل او صحیح است، دفاع می‌کند. اینگونه است که باید ما را به عنوان خادمان مسیح، مباحثان اسرار خدا، در نظر گرفت.

آنها مباشر هستند، نه ما. ما مباشر هستیم چون آنها آن را به ما دادند. حالا، ما مباشر آن محصول هستیم

اما در مورد من، آیه ۲، علاوه بر این، از مباشرین خواسته شده است که قابل اعتماد باشند. ضمناً، بسیاری از مردم این آیه را در پاکت‌های نذورات قرار می‌دهند. این مباشرت ربطی به پول ندارد

، این نظارت مربوط به مغز شماست، مربوط به نحوه تفکر شما، مربوط به نحوه برخورد شما با زندگی. آیه ۳، اما برای من این چیز بسیار کوچکی است که باید توسط شما یا هر دادگاه انسانی قضاوت شود. در واقع، من حتی خودم را قضاوت نمی‌کنم

است که sunetesis برای اسم، sunoida، حالا به آیه ۴ توجه کنید. من آگاه نیستم. این شکل فعل کلمه‌ای برای وجدان است. بنابراین، من از هیچ چیز علیه خودم آگاه نیستم، اما از این طریق تبرئه نمی‌شوم

این خداوند است که مرا داوری می‌کند. بنابراین، پولس خود را تفتیش کرد. او از این به عنوان یک مثال استفاده کرد

خودش را تفتیش کرد. من از هیچ چیز علیه خودم آگاه نیستم، اما به این ترتیب تبرئه هم نمی‌شوم. این خداوند است که در مورد من قضاوت می‌کند

چگونه این را ترجمه می‌کند. وجدان من راحت است NIV این ترجمه رسمی است. ببینید

، آنها فعلی وجدان را گرفتند و آن را به اسم تبدیل کردند. شما خواهید گفت، پسر، این کمی زننده است. خوب، این معادل پویا است

این معادل‌سازی تابعی است. آنها در واقع به شما می‌گویند که این چه می‌گوید. اگر بخوانید، من از هیچ چیز آگاه نیستم. خوب، این یعنی این یک چیزی است

اما وقتی می‌خوانی، وجدانم راحت است، می‌گویی، آه. اما نکته اینجاست. اما این مرا بی‌گناه نمی‌کند

متوجه این شدی؟ پولس گفت، وجدان من پاک است، اما شاید اشتباه می‌کنم. باید خدا را برای قضاوت در مورد خودم فرا بخوانم. بنابراین شما نمی‌توانید وارد دفتر کشیش خود شوید و بگویید، وجدان من پاک است پس من این کار را انجام خواهم داد، زیرا وجدان شما فقط به ظرفیت، جهان‌بینی و ارزش‌های شما مربوط می‌شود

شما می‌توانید فردی سرکش باشید و از این بابت احساس خوبی داشته باشید، زیرا جهان‌بینی و ارزش‌هایتان بسیار آشفته است. و بنابراین، این یک متن بسیار جالب است. در اینجا متن دیگری وجود دارد، کمی متفاوت، که در آن به کلمه وجدان برمی‌گردیم

رومیان ۲، ۱۴ و ۱۵. من فکر می‌کنم این متنی است که تحریف شده است. اما وقتی به وجدان در عهد جدید نگاه می‌کنید، دیدگاه کمی بهتری پیدا می‌کند

اول، رومیان باب ۲ و آیه، ببینیم چند آیه می‌خواهم اینجا بخوانم؟ بیایید باب ۱۴ را بخوانیم. چون وقتی غیریهودیان، یادتان باشد، در رومیان، پولس یهودیان را خطاب قرار می‌داد، و این خطاب به غیریهودیان است. اینجا، او می‌خواهد یهودیان را بر اساس غیریهودیان محکوم کند

این برای زمانی که غیریهودیان، که شریعت را نمی‌دانند، جذاب است. می‌بینید، یهودیان سرخوش بودند

آنها برای لباس‌هایشان زیادی بزرگ بودند. آنها فکر می‌کردند که از غیریهودیان بهترند چون شریعت داشتند. او برمی‌گردد و می‌گوید غیریهودیانی که ذاتاً شریعت ندارند، آنچه را که شریعت از آنها می‌خواهد، انجام می‌دهند

آنها برای خودشان قانون هستند، حتی اگر قانونی نداشته باشند. به عبارت دیگر، آنها بر اساس جهان‌بینی و ارزش‌های خود، بهتر از شما، خود را تنظیم می‌کنند. و وقتی به این درک برسید، می‌توانیم این را ببینیم. می‌توانید این را در زندگی به طرق مختلف ببینید

افراد خوب زیادی وجود دارند که مسیحی نیستند. و شما سعی می‌کنید به آنها شهادت دهید، آنها به شما گوش نمی‌دهند زیرا فکر می‌کنند واقعاً خوب هستند. اگرچه آنها قانون ندارند، اما اجازه می‌دهند وجدانشان جهان‌بینی و ارزش‌هایشان را تنظیم کند

آنها نشان می‌دهند که عمل شریعت بر قلبشان نوشته شده است. و اینجا به نکته‌ی دیگری می‌رسیم. حال به این توجه کنید: قلب‌ها از آن من هستند

وجدان آنها نیز گواهی می‌دهد، و افکار متناقضشان آنها را در روزی که طبق انجیل من، خدا به وسیله عیسی مسیح اسرار انسانها را داوری می‌کند، متهم یا حتی تبرئه می‌کند. بنابراین واقعیت این است که غیریهودیان می‌توانند به حقیقت پی ببرند و بهتر از یهودیانی که از امتیاز شریعت برخوردارند، زندگی کنند. در نتیجه، در اینجا می‌بینیم که وجدان شاهد است

در واقع، توجه کنید که خیلی خاص می‌گوید وجدان گواهی می‌دهد. و یهودیان طبق قانون عمل نمی‌کردند. چرا؟ آنها وجدان خود را می‌سوزاندند

آنها وجدان خود را سرکوب می‌کردند، وجدانی که به آنها می‌گفت، هی، شما از قانون اطاعت نمی‌کنید. شما بهتر از این می‌دانید. و آنها این کار را آنقدر طولانی و آنقدر کامل انجام دادند که نتوانستند خود را از آن مخمسه نجات دهند. حال، عبارات دیگری وجود دارد که در مورد ظرفیت صحبت می‌کند

من تعدادی از آنها را اینجا به شما داده‌ام، و شما خودتان به آن قسمت‌ها نگاه خواهید کرد زیرا قرار است آن جزوه را بخوانید. علاوه بر این، وجدان در ذهن به عنوان یک شاهد عمل می‌کند. این همان مانیتور است

به نکته شماره دو در صفحه سه توجه کنید. ببخشید، صدای من کمی کلفت است. هوا اینجا در فلوریدا در حال تغییر است و ما در زمستان هستیم که اصلاً بد نیست، اما روی توانایی صحبت کردن من تأثیر می‌گذارد

وجدان، شهادی بر جهان‌بینی و سیستم ارزشی است که ما آن را می‌شناسیم و به کار می‌بریم. ما همین الان این را در رومیان ۲:۱۵ خواندیم. افراد دیگری هم هستند که به همراه وجدان به شهادت فراخوانده می‌شوند. می‌بینید، اتفاقی که می‌افتد این است که ما یک اتاق ملاقات و یک دادگاه داریم. اگر لطف کنید، این تصویرسازی است

قاضی در جایگاه متهم قرار دارد. قاضی جهان‌بینی و ارزش‌ها را تنظیم می‌کند. ما یک وکیل مدافع داریم و یک وکیل دادستان

به یک معنا، آنها مانند وجدان عمل می‌کنند، سعی می‌کنند آن شخص را متقاعد کنند که اشتباه می‌کند یا استدلال کند که حق با او بوده است. در نتیجه، شما یک قاضی و یک شاهد دارید. وجدان، شاهد است.

جهان‌بینی‌ها و ارزش‌ها، داوران هستند. ساختارهای صفت زیادی وجود دارد. توجه کنید که من در اینجا لیستی به شما داده‌ام.

وجدان آسوده. وجدان شما آسوده است. این یعنی چه؟ یعنی وجدان چیزی را مطرح نمی‌کند که بگوید شما اشتباه می‌کنید.

به عبارت دیگر، شما به شیوه‌ای مناسب با جهان‌بینی و ارزش‌های خود در ارتباط هستید. وجدان آسوده اساساً همان چیز است. و به تمام آن بخش‌ها نگاه کنید.

فقط چیزی که فکر می‌کنم در ابتدا به آن اشاره کردم باقی مانده است. نمی‌خواهم در مورد آن حدس بزنم. حدود بیست پیامک را به خاطر دارم.

ما ۲۷ متن داریم. ۲۲ به علاوه ۵ متن در عبرانیان. همه آنها نوشته‌های پولس هستند.

و پطرس سه تا دارد. بنابراین، این تقریباً منحصراً یک اصطلاح پولسی است و عمدتاً در مکاتبات مسیحی به کار می‌رود. بنابراین، این کلمه بسیار جالبی در عهد جدید است.

خب، وجدان در ذهن عمل می‌کند. حالا، می‌خواهم این را اینجا ببینید. وقتی داده‌ها وارد می‌شوند، وارد ذهن می‌شوند.

و توجه داشته باشید که جهان‌بینی و ارزش‌ها توسط وجدان احاطه شده‌اند. وجدان به جهان‌بینی و ارزش‌ها نگاه می‌کند.

و این به شما می‌گوید که با آنها در تضاد هستید. و بعد من را از طرف دیگر زمین می‌زند. بعداً به روح می‌پردازیم.

هم S و روح بسیار شبیه وجدان عمل می‌کند. به روح، شاهد می‌گویند. می‌توانیم علاوه بر این سه حرف، از استفاده کنیم.

و بعداً این کار را خواهیم کرد. در اینجا، در این جهان‌بینی و ارزش‌ها، همه چیز را بررسی خواهیم کرد. و خواهید دید که وجدان و روح در ذهن بسیار مشابه عمل می‌کنند.

که ما را به این واقعیت برمی‌گرداند که شما حتی نمی‌توانید بگویید وجدان من آسوده است. اگر بگویید روح به من گفته است، کار شما تمام نشده است. شما باید ثابت کنید که ادعای شما مبنی بر اینکه این روح است، باید با توانایی شما در نشان دادن آن از متن کتاب مقدس توجیه شود.

پس شما با این ادعا آزاد نیستید. بسیار خب. پس وجدان یک شاهد است.

در کنار این، کلمه ناظر کمی همپوشانی دارد. وجدان ناظر تفکر ما در رابطه با تصمیم‌گیری است. اما دلایل تصمیم‌گیری‌ها را ارائه نمی‌دهد.

اما وجدان مانند چراغ قرمز و سبزی است که ترافیک را در رابطه با تصمیمات، در رابطه با جهان بینی و ارزش های شما هدایت می کند. بنابراین، با این جمله، بگذارید وجدان راهنمای شما باشد. خب، باید به آن مکالمه درون خودتان توجه کنید.

از آنجا که این یک ظرفیت خدادادی است که به تصویر خدا آفریده شده است، باید به آن توجه کنید. اما نمی توانید در نحوه انجام این کار ساده لوح باشید.

شما باید متوجه باشید که همزمان با انجام آن مکالمه، هنوز هم مسئول هستید که مطمئن شوید ارزش های جهان بینی تان درست هستند. اینکه واقعاً طرز فکرتان را تغییر داده اید. و اینکه شما با طبیعت قدیمی عمل نمی کنید، بلکه با طبیعت جدید عمل می کنید.

باشه. تو صفحه سه. بدون اینکه پرسم، خب، به لحظه صبر کن.

می خواهم بروم؛ قبل از اینکه از آن بحث خارج شوم، اگر اشکالی ندارد، می خواهم لحظه ای شما را به اول قرنیتان، فصل ۱۰ ببرم. اول قرنیتان، فصل ۱۰. این موضوع بسیار مهم است و کمی سخت است که بتوانید آن را درک کنید، چون شما به طور طبیعی اینطور فکر نمی کنید.

اما در اول قرنیتان فصل ۱۰، آیات ۲۳ تا ۳۰، و در آیه ۲۵، به آیات ۲۵، ۱۰، ۲۵ نگاه کنید. آن فصل ۱۰ نیست. اوه، من چیزی در آنجا می فهمم.

اوه، من در دوم قرنیتان هستم. بابت این موضوع متاسفم. اول قرنیتان

می دانستم که مشکلی وجود دارد. اول قرنیتان، فصل ۱۰ و آیه ۲۵. بسیار خب

پولس دارد با مشکل قرنتس، یعنی قربانی شدن در برابر بت ها، دست و پنجه نرم می کند. ببینید او با چه چیزی سر و کار دارد، که همان جهان بینی قدیمی شماست. جهان بینی قدیمی شما به شما می گوید که بت ها چیزی هستند و باید از آن فراتر بروید.

و او وارد می شود و با آن، با قوی و ضعیف، برخورد می کند. همانطور که به یاد دارید، به آیه ۲۳ نگاه کنید. ببخشید.

همه چیز قانونی است، اما همه چیز مفید نیست. همه چیز قانونی است، اما همه چیز سازنده نیست. هیچ کس نباید در پی خیر خود باشد، بلکه باید خیر همسایه خود را بجوید.

است ESV هر چه در بازار گوشت فروخته می شود را بدون هیچ پرسشی به دلیل وجدان بخورید. خب، این نسخه کینگ جیمز می گوید، بدون هیچ پرسشی.

و خیلی ها می گفتند، خب اگر در یک موقعیت مشکوک سؤال نرسی، مسئول نیستی. خب، این به جورایی احمقانه است. آیا پولس می گفت، خب، چیزی که نمی دانی به تو آسیبی نمی رساند؟ آیا پولس هرگز چنین چیزی می گفت؟ نه، منظور آن متن این نیست.

در این موقعیت خاص، آن را ارتقا می دهد و بدون هیچ ESV اینجاست که یک تفسیر جدیدتر، حتی نسخه گونه پرسشی در مورد وجدان می گوید: می بینید، برادران ضعیف تر، که جهان بینی و ارزش هایشان به خوبی

تغییر نکرده بود، فکر می‌کردند که آن گوشت هنوز به بت پرستی آلوده است. پولس می‌گوید گوشت چیزی نیست.

بت‌ها هیچی نیستند. آنها وجود ندارند. بنابراین، می‌توانید آنها را بخورید.

اما از آنجا که او با کسانی سر و کار داشت که ذهن دگرگون‌شده‌شان عقب مانده بود، کسانی که به اندازه کافی تنها زندگی نکرده بودند، گفت: غذا بخورید، اما بر اساس وجدان سوال نپرسید. چرا؟ چون وجدان زمینه‌ای نیست که بر اساس آن سوال بپرسید. جهان‌بینی و ارزش‌ها است.

این متن این ایده را مطرح می‌کند که جهان‌بینی و ارزش‌ها هستند که درست و غلط را تعیین می‌کنند، نه وجدان. وجدان کار می‌کند. و وقتی جهان‌بینی و ارزش‌های شما اشتباه باشد، بله، این مسیحیان احساس محکومیت می‌کردند.

اما پولس می‌گفت، شما باید همراه شوید. باید درک کنید که زندگی قدیمی، زندگی قدیمی است. زندگی جدید، زندگی جدید است.

و بنابراین، این بسیار مهم است. من پیشنهاد می‌کنم، و شاید بتوانیم آن را پیدا کنیم و در این ماژول خاص قرار دهیم. دکتر هیلدبرانت در حال یافتن مقالاتی برای ادامه است.

در کتابشناسی من، آن مقاله از گوچ برای درک اول قرن‌تین ۱۰ بسیار مهم است. بنابراین، شما بر اساس وجدان خود سوال نمی‌پرسید. شما بر اساس جهان‌بینی و ارزش‌های خود سوال می‌پرسید زیرا وجدان صرفاً شما را متقاعد می‌کند که باید آن سؤالات را بپرسید.

شما باید مطمئن شوید که جهان‌بینی و ارزش‌هایتان درست هستند. این کلید ماجرا است. سپس، وجدان باید با آنچه درست است سازگار شود، زیرا جهان‌بینی و ارزش‌ها، داوران هستند.

وجدان صرفاً شاهدهی بر جهان‌بینی و ارزش‌هایی است که در حال حاضر دارید، اما این ارزش‌ها قابل تجدیدنظر و چالش هستند. این بخشی از بلوغ در رابطه با رومیان ۱۲: ۱ و ۲ است. من آن را در صفحه سوم در بالا ذکر کرده‌ام.

به مقاله گوچ در کتابشناسی من در انتهای یادداشت‌ها مراجعه کنید. خب، نتیجه‌گیری‌های اینجا چیست؟ خب، وجدان، جهان‌بینی و مجموعه ارزش‌های شما را ایجاد نمی‌کند. جهان‌بینی و ارزش، مجموعه‌ای هستند که با بلوغ ذهن متحول شما ایجاد می‌شوند.

وجدان، شاهدهی بر جهان‌بینی و ارزش‌هاست. این را بارها و بارها گفته‌ام. می‌دانم خیلی تکراری است، اما امیدوارم که دیگر جا افتاده باشد.

وجدان صرفاً ناظر بر جهان‌بینی ماست، جهان‌بینی‌ای که ما داریم و آن را تشخیص می‌دهیم و به کار می‌بریم. عبارت تشخیص می‌دهیم و به کار می‌بریم از اف. اف. بروس بود. این عبارت سال‌هاست که در ذهنم مانده است.

بسیار خب، بگذارید به آنجا برگردم چون این پایان اسلایدها است. بسیار خب، این هم از این. من مطالب کافی را در اختیارتان قرار داده‌ام تا مطالعه کنید و بتوانید کاری را که اهالی بریاری انجام می‌دهند و در مورد این موضوع فکر می‌کنند، انجام دهید.

سخت‌ترین بخش از چیزی که باید در موردش فکر کنید، بخشی است که به اول قرن‌تین مربوط می‌شود، با این درک که شما بر اساس وجدان سوال نمی‌پرسید. شما بر اساس جهان‌بینی و ارزش‌ها سوال می‌پرسید. پولس در قرن‌تس با گروهی روبرو بود که ذهن دگرگون‌شده‌شان پشت سرشان بود و او سعی داشت آنها را با خود همراه کند.

او این کار را خیلی با ملایمت انجام داد. در واقع، متن قرن‌تین به این نکته اشاره می‌کند. گاهی اوقات، شما به خاطر کسی که هنوز با شما همراه نشده، از چیزی که می‌دانید اشکالی ندارد، کوتاه می‌آیید.

حالا، بگذارید این سوال را از شما بپرسم. با افرادی که جهان‌بینی و ارزش‌هایشان ستیزه‌جویانه است چه می‌کنید؟ آنها از تغییر نظر خود امتناع می‌کنند، حتی وقتی می‌توانید از کتاب مقدس به آنها نشان دهید که چه چیزی درست است. پولس برای تغییر نظر آنها در مورد گوشت تقدیمی به بت‌ها مشکل داشت.

بنابراین، وقتی آنها از همراهی امتناع می‌کنند چه می‌کنید؟ خب، من اینطور می‌گویم. برای کسانی که در حال گذار هستند، و شما همیشه مسیحیانی را در اطراف خود خواهید داشت که در جهان‌بینی و ارزش‌های خود در حال گذار هستند، باید با مهربانی برخورد کنید. گاهی اوقات باید از چیزی خودداری کنید تا به آنها کمک کنید.

اما اگر این روند ادامه پیدا کند، مشکل این است که آنها دیگر ضعیف نیستند. آنها متخاصم هستند. آنها از یادگیری امتناع می‌کنند.

با افرادی که از یادگیری امتناع می‌کنند، نسبت به افرادی که با ملایمت در حال گذار هستند، متفاوت رفتار می‌شود. حالا، این احتمالاً کمی بیشتر طول می‌کشد، اما چیزی است که فکر کردن به آن برای شما مهم است. خب، وجدان.

حالا، این یک جلسه کوتاه‌تر برای ماست. اما واقعیت این است که این مطالب واقعاً برای شما جدید است زیرا مردم کلیشه‌هایی در مورد چستی وجدان دارند. و صادقانه بگویم، فکر می‌کنم وقتی به شاهد کتاب مقدس، مطالب کتاب مقدس که وجدان را به ما ارائه می‌دهد، نگاه کنید، خواهید دید که این یک شاهد است، نه یک قاضی.

و این شاهی بر جهان‌بینی و ارزش‌ها است. و آنها قاضی هستند. و با این حال، در عین حال، در فرآیند بلوغ یک مسیحی، شما باید جهان‌بینی و ارزش‌های خود را مطابق با آموزه‌ها و آگاهی‌های کتاب مقدس تنظیم کنید.

آن نسل اول، یکی از ویدیوهای است که می‌خواهم وقتی به بهشت رفته‌ام، خدا دوباره برایم پخش کند. می‌خواهم بیشتر بدانم که برای یهودیانی که به یهوه ایمان داشتند، چقدر دشوار بود که به مسیح به عنوان مسیح ایمان بیاورند. اگر آنها مؤمن واقعی بودند، رستگاری خود را از دست نمی‌دادند.

اگر آنها ایماندار واقعی بودند، این گذار را انجام دادند. این برای آنها آسان نبود. ما در کتاب اعمال رسولان شهادت می‌دهیم که چقدر برای آنها دشوار بوده است.

در نتیجه، همانطور که ما گذار خود را انجام می‌دهیم، از ذهن و وجدان دگرگون‌شده عبور می‌کنیم. گاهی اوقات، کمی طول می‌کشد تا با آن همراه شویم، اما تابع جهان‌بینی و ارزش‌ها است. توسط آن هدایت می‌شود. نه چیز دیگری. و بنابراین گاهی اوقات باید کمی آموزش مجدد ببیند.

بنابراین، برای مثال، برادر ضعیف در قرن‌تس، تا زمانی که گذار را انجام نداده بود، در درونی کردن تفکر خود مشکل داشت. پولس با آنها به گونه‌ای رفتار می‌کرد که می‌توانست به همراه کردن آنها کمک کند. پولس بر این اساس، جهان‌بینی و ارزش‌ها را به خطر نینداخت، بلکه جهان‌بینی و ارزش‌ها را آموزش داد و در نتیجه آنها را با خود همراه کرد.

بنابراین، وجدان و تصمیم‌گیری. وجدان، وقتی با تصمیمات سروکار دارید، چه تصمیمات بزرگی مانند جنگ، تراجنسیتی‌ها، و مسائل مرگ و زندگی، اتانازی و غیره، و چه تصمیمات مربوط به زندگی شخصی خودتان، باید به یاد داشته باشید که اگرچه صدای درونی شما چیزی به شما می‌گوید، اما این چیزی نیست که به آن گوش می‌دهید. چیزی که به آن گوش می‌دهید جهان‌بینی و ارزش‌های شماست.

با جهان‌بینی و ارزش‌های خود ارتباط برقرار کنید. به کتاب مقدس مراجعه کنید و جهان‌بینی و ارزش‌های خود را تنظیم و آموزش دهید تا بتوانید تصمیماتی بگیرید که با ذهن خدا مطابقت داشته باشد نه با ذهن خودتان. هرگز این کار را به طور کامل انجام نمی‌دهد.

افکار من افکار تو نیست. چرا؟ چون ما انسان هستیم. ما مخلوق هستیم و او خداست.

ما هرگز به آن دست نخواهیم یافت. در واقع، در طول ابدیت، شما در حال یادگیری خواهید بود. ابدیت همین است: یادگیری ابدی از زندگی، زیرا ما هرگز خدا نخواهیم بود و هرگز بی‌نهایت را تمام نخواهیم کرد.

بنابراین، اگر الان دوست ندارید یاد بگیرید، تا ابد در دردسر خواهید بود زیرا قرار است تا ابد در مورد خدا یاد بگیرید و بر آن اساس او را پرستش کنید. پس این وجدان است. سخنرانی بعدی ما در مورد روح القدس خواهد بود و شما در مورد نحوه صحبت در مورد روح القدس در رابطه با نحوه صحبت در مورد وجدان، حرکات روزمره ای خواهید داشت زیرا کتاب مقدس آنها را به روش‌های بسیار بسیار مشابهی ارائه می‌دهد.

از شما متشکرم، و من اطمینان دارم که روز شما روز بسیار خوبی خواهد بود و این مطالب به شما در زندگی‌تان کمک می‌کند.